



برآمده و سوزن کاود یکی گفت لیز بوز دستان سنام بگردن بر او زد کز گران چهار دشر از پشت زین ملک	جو افراسیابش ناموزید نینی که با کز سنام آمد ماند از آن کوز کز استید جوانس و جویای نام آمد	ز گردان بر سید کز از راه سلیش سباه آمد و اسبیا جوتل اند راورد با اورن همی خواست بر دشمنش قیاد	برز کونه ارشد کشته ره جو کسی خوشتر از ذاب فرز کرد کز کز از ابر دهد و ز خاک کسینیش
---	--	--	--

**بزرگترین ستم افراسیاب از اسب**



ز خاک سبهار و هدا سوار چو گفت کز موش زین کش جان ابر شاه ترکان رسید برآمده و سوزن کاود ز کز سواران را از هر سب هر از شد و شمشیر کز شکسته سلیح و کشته یکی از کمان شکسته سباه قیاد آمد و تاج بر سر نهاد بیامد نشان جنگ در م هر لشکر ما هم بود رسد کهنه کشته و ز قسای سزای که شاه در جنگ بگردد که کاوسک	نیامده و آل کسری بای دار همی بر کس ساخیم بدوش درفش سبهار شد با بدید در سسید حج و رخم خو رمنش شد و آسمان شیب بید زخم بر کشتن آن شهیر نه نوق و نه کوی و نه با فوه بزرگان بشتر ندیدند راه بگنه یکی بود در اندر کشاد که گفتی رمن را بسوزد بیم کس اندر همان از شکست ز شکس قیادم نکوز بر بای بمکله درون زور و اضلک بگردد که کاوسک	کشتن کال اندر آمدن ترش جوا و از اندر پشتل کشتش کس بند و فکند خوار بر آن کز زور زین سب فور و بر زور زور بود بر صند ترکان زینش معان بروز از بوز زرد شنگ نه از حج ابرج من با کشد سواری بد اندر رخ سنام همی ناخاند فرار و شب درفش هر اید بر کمان بناز زور هر کس نیا شد بدست و اندر کس سنام سما که کوبال ستم	سواران کز کسند کرد اندر خرو سسند کس سر سسند میل خرو شتر ترکان از آمدن تران عز سسند دل از جان کمان بماهی هم دور بر ما کرد کشتن لشکر سوی امعا بناز ز کشتار و کوانه جنگ نه ز هر کس سینه تر با کشد که دستا فرستم نه یاد سنام همی ز کز و شیب و کسب بزر اندر افکند کز گران دو با شحال اندر و سنا بر وزان از پیش بر اندر سنام زدند تر بران مارک ترکان	سببند جوا ز هدا کسبم یکی مرده بردند بر دیار شاه رجا اندر آمد و اسب قیاد تو گفته که ابری بر آمدن کج سر سر کشتان بر کز گران وز ابا حج و زینا دند روی بذو گفت کای نام برد از شاه یکی کس سوزد دیگر اندر جوا جه در یاش پیش رخ بر میان ز کز تر هوا شد بر ارا کاک جان بر کز تر زین ملک سواران جنگی هر هم کوی یکی سسند دم و شیب جنگ کرا راه چهار سوزد کوهستان	نخامند ستم همی شیب سست که رستم بد ز دل سباه بگند لشکر کور دیر با با ذ رشن کوی بزرگ ز در بر رخ چو سندان نه و نیک لشکران خلیده در رخ و کس و کوی ترا بود از زین کس سب شاه بها نوا ما سسند ز کس هدا جه خرد سبیر و جه بیل تران بیر زین کس سب سب شاه که گفتی نواز زین کس سب شاه کشتند دم از کس کس کوی نه هو شرفه در اشتر نه ر سب بروز ز کسندان نامدار
--	--	--	---	--	--